

وجه مشترک وصیتنامه سردار دلها حاج قاسم سلیمانی با وصیت نامه شهدای هشت سال دفاع مقدس شهرستان چادگان

خداداد میرزایی^۱

چکیده

مقدس بودن لفظ شهید و شهادت در اسلام، خبر از معنای بلند آن میدهد. دو رکن اساسی در مفهوم شهادت آن است که اولاً فی سبیل الله و در راه خداست یعنی هدف، مقدس است و ثانیاً آگاهانه صورت می گیرد. پس شهید کسی است که تمام هستی خود را از روی آگاهی و علم در راه خدا بذل میکند از این رو هاله ای از قداست شهید و شهادت را در بر گرفته است. بدن شهید یک جسد متروح و لباس متجسد است؛ یعنی حکم روح بر بدن اوجاری می شود و حکم جاری شده بر بدن او، بر لباس و جامه او جاری میگردد. شهادت، مرگ انسانهای زیرک و هوشیار است که نمی گذارند این جان، مفت از دستشان برود و در مقابل، چیزی عایدشان نگردد. شهدا زمینه را برای سایر خدمتگزاران مساعد میکنند. لذا همه، مدیون شهدا هستند. آن ها همانند شمعی هستند که میسوزند تا دیگران از نور وجودشان بهره مند گردند. در اهمیت شهادت همین بس که اولین قطره‌های که از خون شهید بر زمین میریزد، تمام گناهانش مگر حقوق الناس بخشیده میشود و شهید، اولین کسی است که وارد بهشت میشود از اینرو آرزوی شهادت در سیره معصومین و اولیای الهی دیده میشود. وصیتنامه شهدا دل نوشته های کسانی است که از روی صدق و دلسوزی برای زندگان باقی گذاشته اند. به طور قطع، این وصیتنامه ها الگوی بسیار مناسبی برای ما خواهد بود تا در سبک زندگی اسلامی از آنها استفاده کنیم. هدف از مطالعه وصیتنامه شهدا این است که دریابیم چرا آنها جان خود را فدا کردند به دنبال چه چیزی بودند سر دار شهید حاج قاسم و شهدای هشت سال دفاع مقدس از جمله شهدای نامداری هستند که در هشت سال دفاع مقدس همپای سایر رزمندگان اسلام، برای رضای خدا به تکلیف عمل میکردند. آنان این انقلاب را انقلابی الهی و بی نظیر میدانستند و صاحب آن را امام زمان علیه السلام و امام خمینی میدانستند. وصیتنامه سردار دلها حاج قاسم سلیمانی همانند سایر شهدا، منشور معنوی انقلاب اسلامی ایران است. ایشان در وصیتنامه کوتاه خود به نکات مهمی اشاره کرده است که برای ادامه دهندگان راه شهدا و بلکه برای همه مردم بسیار سودمند و راهگشا است. بر اساس نتایج این پژوهش، وجه مشترک وصیتنامه سردار دلها حاج قاسم سلیمانی با شهدای هشت سال دفاع مقدس شهرستان چادگان تقریباً در هفت مقوله کلی دعا، نیایش و مناجات، ولایت فقیه و نسخه رهبری، ولایتمداری، فراجحاحی بودن و متحد بودن، دفاع از مظلومان بیزاری از ظالم، ایمان به خدا، طلب حلالیت وجود دارد.

کلیدواژه: شهید، سردار سلیمانی، وصیت نامه، شهدای شهرستان چادگان.

مقدمه :

پس از پیروزی انقلاب و در روزهای آغازین دفاع مقدس، جوانی از خطه کرمان پای در میدان نبرد گذاشت که طی چهل سال با بهره‌گیری از ایمان، شجاعت، هوشمندی و تیزبینی خود، به گونه‌ای در مسیر کمال پیش رفت که سرانجام سکه تأسیس یک مکتب به نام او توسط رهبر معظم انقلاب زده شد. هر انسان آگاه و منصفی، فارغ از اندیشه سیاسی یا اجتماعی‌اش، گواهی می‌دهد که این عبارت پر مغز و دقیق به حق شایسته سردار بزرگ اسلام، سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی است. مکتب سلیمانی امروز، مکتب بزرگی است که می‌تواند هر یک از جوانان این سرزمین را به سلیمانی دیگری تبدیل کند. اما به راستی یک انسان باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا مکتب‌ساز شود؟ واقعیت آن است که هر گاه انسان از مدار فردیت خارج شود و سعه وجودی‌اش به اندازه‌ای گسترش یابد که بر نفوس انسان‌ها تأثیری قابل توجه در مسیر کمال بگذارد، در واقع به یک مکتب تبدیل شده است. سردار عزیز دل‌ها، حاج قاسم سلیمانی، سرباز مخلصی در راه خدا بود که توانست جهانی را دگرگون کند. با وجود اینکه این شهید بزگوار در تمام زمینه با شهدای هشت سال دفاع مقدس اشتراکات داشته لذا در این مقاله به برخی از وجه اشتراکات این سردار رشید حماسه‌ساز با شهدای هشت سال دفاع مقدس شهرستان چادگان می‌پردازیم. به طور کلی وصیت نامه این شهید بزگوار به سیزده بخش قابل انقسام است. در یک بخش به شهادت به اصول دین شهادت می‌دهم که قیامت حق است. قرآن حق است. بهشت و جهنم حق است. سوال و جواب حق است. معاد، عدل، امامت، نبوت حق است در بخش دوم خدا! تو را سپاس می‌گویم بخاطر نعمت‌هایت. شکر نعمت‌هایی که خدای متعال در زمان حیاتش به ایشان ارزانی داشته می‌پردازد. این نعمت‌ها عبارتند از: دوران احیای اسلام عزیز و عزتمندی ملت‌های مسلمان، مقاومت مجاهدین سپاه اسلام، تحول و شکوه و عظمت در جهان اسلام، بیداری ملت‌ها، زوال طاغوت‌ها، فروپاشی قدرت‌های استکباری، برگشتن به خویشتن، نعمت زندگی در هشت سال دفاع مقدس، زندگی با مجاهدینی که محبوب خدا بودند و میهمان خدا شدند، زندگی در کنار ملتی که خوش درخشیدند و در مقابل همه توطئه‌ها و فشارهای سنگین دشمنان تسلیم نشدند. نعمت برخورداری از ولایت، نعمت ولایت فقیه، نعمت جانشینی خلف صالح آن امام، حضرت آیت الله خامنه‌ای. در بخش سوم، پروردگارا! تو را سپاس که مرا با بهترین بندگان در هم آمیختی بخش چهارم خدا! از کاروان دوستانم جامانده‌ام بخش پنجم خطاب به برادران و خواهران مجاهد بخش ششم خطاب به برادران و خواهران ایرانی بخش هفتم برادران و خواهران، پدران و مادران، عزیزان من بخش هشتم خطاب به مردم عزیز کرمان بخش نهم خطاب به خانواده شهدا بخش دهم خطاب به سیاسیون کشور بخش یازدهم خطاب به برادران سپاهی و ارتشی بخش دوازدهم خطاب به علما و مراجع معظم بخش سیزدهم از همه طلب عفو دارم

دعا، نیایش و مناجات

خداوندا! تو را سپاس که مرا صلب به صلب، قرن به قرن، از صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیائت را که قرین و قریب معصومین است، عبد صالحت خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او شوم. اگر توفیق صحابه رسول اعظم محمد مصطفی را نداشتم و اگر بی بهره بودم از دوره مظلومیت علی بن ابیطالب و فرزندان معصوم و مظلومش، مرا در همان راهی قرار دادی که آن‌ها در همان مسیر، جان خود را که جان جهان و خلقت بود، تقدیم کردند.

خداوندا! ای قادر عزیز وای رحمان رزاق، پیشانی شکر شرم بر آستانت می‌سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر و فرزندانش در مذهب تشیع عطر حقیقی اسلام قرار دادی و مرا از اشک بر فرزندان علی بن ابیطالب و فاطمه اطهر بهره‌مند نمودی؛ چه نعمت عظمایی

که بالاترین و ارزشمندترین نعمت‌های است؛ نعمتی که در آن نور است، معنویت، بی‌قراری که در درون خود بالاترین قرارها را دارد، غمی که آرامش و معنویت دارد.

خداوند! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه [چیزی دارند] و نه قدرت دفاع دارند، اما در دستانم چیزی را ذخیره کرده ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به سمت تو است. وقتی آن‌ها را به سمت بلند کردم، وقتی آن‌ها را برائت بر زمین و زانو گذاردم، وقتی سلاح را برای دفاع از دینت به دست گرفتم؛ این‌ها ثروت دست من است که امید دارم قبول کرده باشی. خداوند! پاهایم سست است. رمق ندارد. جرأت عبور از پلی که از جهنم عبور می‌کند، ندارد. من در پل عادی هم پاهایم می‌لرزد، وای بر من و صراط تو که از مو نازک‌تر است و از شمشیر بُرنده تر؛ اما یک امیدی به من نوید می‌دهد که ممکن است نلرزم، ممکن است نجات پیدا کنم. من با این پاها در حرمت پا گذارده ام و دور خانه ات چرخیده ام و در حرم اولیاءت در بین الحرمین حسین و عباس آن‌ها را برهنه دواندم و این پاها را در سنگرهای طولانی، خمیده جمع کردم و در دفاع از دینت دویدم، جهیدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید دارم آن جهیدن‌ها و خزیدن‌ها و به حرمت آن حریمها، آن‌ها را ببخشی. (شهید والامقام حاج قاسم سلیمانی).

خداوند! سر من، عقل من، لب من، شامه من، گوش من، قلب من، همه اعضا و جوارحم در همین امید به سر می‌برند؛ یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر؛ پاکیزه بپذیر؛ آنچنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم. جز دیدار تو را نمی‌خواهم، بهشت من جوار توست، یا الله! (شهید والامقام قاسم سلیمانی).

پس چه زیبا این شهید والا مقام با خدای خود نجوا کرده اگر سیری در وصیتنامه های شهدای هشت سال دفاع مقدس شهرستان چادگان داشته باشیم آنان هم علی رغم کار بسیار مهم و خداپسندانه ای که انجام دادند باز هم در برابر خدای خود احساس گناه و عجز می کنند به یقین کار سر دار دلها حاج قاسم عزیز بر کسی پوشیده نیست امام می بینم با این همه کار بزرگ چگونه با خدای خودش به خلوت می نشیند و نجوا سر می دهد.

خدایا توشاهدی بر تمام اعمالم. تو خود می دانی چه گناهایی تا به حال انجام داده ام تو خود می دانی که چقدر سرپیچی از فرمان های تو کردم و چقدر معصیت کردم اگر تونگذاری در آتش جهنم می سوزم (شهید والامقام رضا نادی).

خدایا توشاهدی بر همه ی اعمال من درخفا و آشکار چه کنم که اراده ام ضعیف است و یارای مقابله با آن را ندارد و چاره ای ندارم جز اینکه تورحم کنی. خدایا! می دانم که لایق آتش جهنم هستم ولی هیبت از رحمتت که این بدن ضعیف و حقیر و این گدای درگاهت را در آتش بسوزانی (یارب ارحم ضعف بدنی)

خدایا! بامن بارحمانیت رفتار کن نه با عدالتت! زیرا که تو هر عمل ریز ذره ای را حساب میکنی و میدانی که صفحه ی اعمالم سیاه است. ولی خدایا! امیدم از رحمتت قطع نخواهد شد. خدایا! تو خود می دانی که برای انجام وظیفه به سوی تو آمده ام تا فرامین بنده ی حق جویت-امام خمینی (ره)- را گوش دهم. به خاطر اینکه اسلام عزیز در خطر است.

خدایا! به حرمت خون حسین(ع) و به حرمت حسینیان زمان، راه کربلا را باز فرما! ای عزیزان! تقوای خدایی را پیشه ی خود سازید و تمام مظاهر شیطان را از وجودتان دور سازید. به فرامین رهبر بزرگوار گوش دهید و دل این سوخته دل را به درد نیاورید.. (شهید والامقام ابوالقاسم نادی).

من چیزی جز جان ناقابل خودندارم که تقدیم کنم و در پیشگاه خدا و ملت از خدا می‌خواهم که این هدیه ی ناچیز را که از طرف پدر و مادرم هدیه می شود بپذیرد. انشاء الله. (شهید والامقام سیداکبرهاشمی (معین الدینی).

خدایا! ای مهربانترین مهربانان، ای سریع الرضا و کاشف البلاء، ای گذرنده، مرگ مرا زندگی برای دیگران ساز، برای ملت، امتم و دینم. (شهید والامقام محسن شاهمرادی).

خدایا، بارالها، پروردگارا، معبودا، معشوقا، مولایم! من ضعیف و ناتوان که تحمل درد از دست دادن پاهایم را ندارم چگونه تحمل عذاب تو را دارم. خدایا مرا ببخش. از گناهانم در گذر. تو کریم و رحیم هستی. خدایا می دانی که چه میکشم. ما از مردن نمی هراسیم اما می ترسیم بعد از ما ایمان را سربرنند و اگر بسوزیم هم که روشنایی می رود و جای خود را به شب می سپارد، چه باید کرد؟ از یک سو باید بمانیم تا شهید آئینده شویم و از دیگر سو باید شهید شویم تا آئینده بماند. هم باید امروز شهید شویم تا فردا بماند و هم باید بمانیم تا فردا شهید نشود. عجب دردی! چه می شد امروز شهید می شدیم و فردا زنده می شدیم تا دوباره شهید شویم. (شهید والامقام محمدرضا رجبی فرزند نجفعلی).

بارالها! صراط مستقیم را نصیب ما بفرما. ما را نیرو ده تا انسان باشیم. خدایا! خدایا! به جان مهدی تظهور مهدی (عج) خمینی را نگه دار. ای مردم باضدانقلاب با قاطعیت برخورد کنید و رسالت خون شهیدان را ادامه دهید. اگر دین خدایاری کردید خدا شما را یاری می کند و قدم هایتان را استوار می سازد. ان تنصروا لله ینصرکم و یشبث اقدامکم. انشاء الله. (شهید والامقام روح اله امیر حاجیلو).

ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین. خداوند تو خودت خوب می دانی که بسیار گناهکارم و امیدوارم که مرا ببخشی من خودم اعتراف میکنم که خیلی خیلی گناه کردم. پروردگارا! از دریچه ی عدلت نگاه نکن و از دریچه ی لطفت به من بنگر که این جسم ناتوان تحمل آتش دوزخ را ندارد. امیدوارم که جوانان ایران حسین وار به جبهه ها بروند و اسلام عزیز را پیروز نگه دارند. و امیدوارم که همه ی دوستان و عزیزان که هم قطار من هستند حافظ خون شهدای ایران و کربلای حسین (ع) باشند که دنیا خاطره ای بیش نیست. (شهید والامقام امرالله قاسمی).

ولایت فقیه و نسخه رهبری

زمانیکه وصیتنامه سر دار عزیز را مطالعه می کنیم از سر خط شروع تا انتهای آن توجه خاصی به ولایت فقیه و لزوم آن در جهان اسلام و همچنین نسخه رهبری برای موفقیت جامعه اسلامی دارد اشاره میکند حتی ایشان در دعا ها و نیایشهای و نخواستهای روزانه و شبانه خود به مقوله ولایت فقیه و رهبری عزیز اشاره جامعی دارند تا جایی که واژه «مظلوم» در عبارات شهید سلیمانی کمی رازگونه است. البته عبارات وصیتنامه این واژه را تا حد زیادی توضیح داده است. از نظر او دکتترین «ولایت فقیه» و «ولی فقیه زمان» آن طور که «حق» آن است درک نمی شود. «ولایت فقیه» برجسته ترین فراز وصیتنامه مبسوط سردار دلها شهید حاج قاسم سلیمانی است. این مهم از سطرهای آغازین وصیتنامه شروع شده و تا خطوط نهایی آن استمرار پیدا کرده است و این بیانگر عظمت ولایت فقیه در فکر او و سلوک او به حساب می آید. در واقع با نگاه به بیش از ۴۳ سال زندگی سیاسی سردار سلیمانی می توان گفت او با این رمز و در این چارچوب به این توفیقاتی که او را از بسیاری برجستگان سیاسی متمایز کرده، دست یافته است.

شهید در مقدمه وصیت‌نامه خود بصورت دعا و نیایش می‌نویسد: «خداوندا تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز- که جانم فدای او باد- قرارداده‌ای» سردار سلیمانی در بخش پایانی وصیت‌نامه خطاب به علما و مراجع معظم تقلید ضمن تکریم بسیار از آنان، از موضع «سربازی از برج دیده‌بانی» می‌نویسد: «من می‌دیدم که برخی خناسان سعی داشتند و دارند که مراجع و علمای موثر در جامعه را با سخنان خود و حالت حق به جانبی به سکوت و ملاحظه بکشانند - در حالی که حق واضح است، جمهوری اسلامی و ارزش‌ها و ولایت فقیه، میراث امام خمینی هستند و می‌بایست مورد حمایت جدی قرار بگیرند.

من حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای را خیلی مظلوم و تنها می‌بینم. او نیازمند همراهی و کمک شماسست و شما حضرات با بیانات و دیدارهایتان و حمایت‌هایتان با ایشان می‌بایست جامعه را جهت دهید. اگر این انقلاب آسیب دید، حتی - بازگشت به - زمان شاه ملعون هم نخواهد بود بلکه سعی استکبار بر الحادگری محض و انحراف عمیق غیرقابل بازگشت خواهد بود» فراز نخست که به آن اشاره شد استمرار ولایت فقیه در مبارزات ممتد سردار سلیمانی را بیان می‌کند و فراز پایانی «دغدغه محوری» شهید تا واپسین روزهای او را بیان می‌کند. از نظر او نه فقط آینده تشیع بلکه آینده اسلام و موارث اسلامی در گرو بقاء و محوریت ولایت فقیه است از این رو او معتقد است و در این وصیت‌نامه به آن تصریح کرده است که اگر نظام مبتنی بر ولایت فقیه آسیب ببیند حرمین در مکه و مدینه و حرمین در قدس و الخلیل از بین می‌روند. بر این اساس می‌توان گفت هیچ‌چیز در اندیشه و سیره سردار شهید سلیمانی عزیز به اهمیت و برجستگی ولایت فقیه و تبعیت مسلمانان از ولی فقیه نبوده است.

واژه «مظلوم» در عبارات شهید سلیمانی کمی رازگونه است. البته عبارات وصیت‌نامه این واژه را تا حد زیادی توضیح داده است. از نظر او دکرین «ولایت فقیه» و «ولی فقیه زمان» آن‌طور که «حق» آن است درک و به آن «آنطور که حق آن است»، عمل نمی‌شود. از منظر او ولایت فقیه محور اسلام، تشیع، ایران و جهان است و همه خیرها وابسته به توجه و عمل به آن است. او در تجربه علمی و عملی خود دیده است که ولایت فقیه و امام خمینی - سلام‌الله علیه- و امام خامنه‌ای - دامت برکاته- کلید گشایش همه مشکلات و مرهم همه آلام است و در عین حال می‌بیند که در بخش‌های مهمی از جامعه و جهان اسلام از علما گرفته تا مسئولین کشور و تا نخبگان ایران و نخبگان جهان اسلام، مورد غفلت و کم‌توجهی قرار گرفته است. اموالات فقیه در کلام شهدای هشت سال دفاع مقدس شهرستان چادگان باتعبیری هم سو بالفاظ و کلمات مترادف سردار دلها بیان شده است که نشان از تجربه گذشته سردار در هشت سال دفاع مقدس می‌باشد. با توجه به مطالعات وصیت‌نامه شهدای هشت سال دفاع مقدس شهرستان چادگان مشخص گردید که بیشتر تعبیرات آن در باره ولایت فقیه و ولی امر مسلمین جهان بسیار جالب و درس آموز است.

آنها در تعبیر خود از الفاظ مثل «پیرو خط امام» «امام راتنهانگذارید» «مظلومیت امام» «نعمت رهبری» «موهبت الهی» «ولایت امام زمان (عج)» «ولایت خدا» «خط سرخ امام» «لیک به رهبری» «قدردانی از امام» «اطاعت از رهبری» «حزب الله» «حفظ ولایت» «ولایت امامان و انبیاء علیهم السلام» «پاسداری از ولایت فقیه» «کوتاهی از امام گناه نابخشودنی است» «بنده حق جو» «بنده حق طلب» «امام عزیز» «جانم فدای رهبر» «ولایت امام حسین (ع)» هر کدام از این کلمات و عبارات بخشی از تفکرات شهدای هشت سال دفاع مقدس نسبت به ولایت فقیه زمان بوده که این شهدای عزیز تک این عبارات را در طول زندگی دنیوی خود به اثبات رساندند و شهدای هشت سال دفاع مقدس نخواسته اند که کارناتمام بماند آنان می‌خواستند که نسل بعد از آنها توجه ویژه ای به ولایت داشته باشند بر این اساس می‌توان گفت هیچ چیز در اندیشه و سیره شهدای هشت سال دفاع مقدس و شهید سردار دلها حاج قاسم سلیمانی

عزیز به اهمیت و برجستگی ولایت فقیه و تبعیت مسلمانان از ولی فقیه نبوده است. در آخر اشارهی به چند نمونه از وصیتنامه شهدای هشت سال دفاع مقدس من باب تعابیر فوق اشاره می نمایم .

خوشا به حال آن ها که آرمیدند و در بهشتی جاودانه جای گرفتند و اینک ما هستیم که راهشان را باید ادامه دهیم و اگر من به فیض شهادت رسیدم، آنان که پیرو خط سرخ امام نیستند و به ولایت او اعتقاد ندارند بر من نگریند. اگر ضد انقلاب خواست دست و پا بگشاید نگذارید به خواستش برسد در خط ولایت باشید که این خط رستگاری است.... قدم هایتان را استوار بردارید تا منافقان به خیال خام خودشان فکر نکنند ما باشید دادن، دست از این انقلاب برداشتیم (شهید و الامقام غلامعلی لطفی).

از خواهران و برادران عزیز می خواهم همیشه پیرو ولایت فقیه باشید و رهنمودهای رهبر عزیزمان را سرلوحه همه کارهایتان قرار دهید که همه ی این نعمت است که ما باید قدر این موهبت های الهی را بدانیم تا اینکه روز قیامت زیر پرچم ولایت فقیه و امام زمان (عج) محشور شویم چرا که آن ولایت امام زمان (ع) است (شهید و الامقام جهان بخش لطفی).

گویا زمان، زمان وصال است. گویا فرارسیده زمانی که محبوبم مرا می خواند گویا زمان بریدن از دنیا و پرکشیدن به لقاء الله نزدیک شده . گویا همزمان حرکت را دریافتند. زمان پیوستن به امام حسین (ع) است. من از برادران و خواهران امت اسلامی می خواهم که راه ولایت فقیه را که همان راه خداست ادامه دهند و امام را تنها نگذارند (شهید و الامقام شمس الله گشول).

ای ملت حزب الله! پیرو خط ولایت فقیه باشید که این راه رستگاری است و پشت امام خمینی (ره) را خالی نکنید و ولایت را حفظ کنید و پاسدار خون شهیدان باشید. (شهید و الامقام جواد اسکندری).

فراجناحی بودن و متحد بودن

سر دار عزیز در وصیتنامه خود به فراجناحی و اتحاد گروههای سیاسی اشاره میکند و تنها راه برون رفت از تفرقه و جناحی عمل کرده حول اصول مخصوصا اصل ولایت فقیه میباشد که چنین اشتهر می فرماید .

نکته ای کوتاه خطاب به سیاسیون کشور دارم: چه آنهایی که اصلاح طلب خود را می نامند و چه آنهایی که اصولگرا. آنچه پیوسته در رنج بودم اینکه عموماً ما در دو مقطع، خدا و قرآن و ارزشها را فراموش می کنیم، بلکه فدا می کنیم. عزیزان، هر رقابتی با هم می کنید و هر جدلی با هم دارید، اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره هایتان به نحوی تضعیف کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرزها را تفکیک کنید. اگر می خواهید با هم باشید، شرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است.

متن ذکر شده وصیتنامه سردار شهید سلیمانی، تفسیر بسیار متقنی از «فراجناحی» بودن ارائه می دهد. بعضی فراجناحی را نفی جناحها و بعضی آن را خط دیگری در مقابل جناحهای کشور و انقلاب می دانند و در واقع به فرا انقلاب و فرا نظام دعوت می کنند. وصیتنامه شهید سلیمانی تفسیر دیگری که بسیار هم دلنشین است، بیان می کند. فراجناح بودن از منظر شهید سلیمانی و وصیتنامه بسیار پرمحتوای او، حرکت حول محور ولایت فقیه و حضرت آیت الله العظمی الامام خامنه ای است.

اما با مطالعه در وصیت نامه شهدای شهرستان چادگان مشخص گردید که نظر شهدای هشت سال دفاع مقدس با نظر سر دار دلها همسوئی مطلق دارند تا جائی که شهید عزیز اشاره میدارد، که اتحاد و اتفاق و وحدت خود را حفظ کنید تا انشاء الله بتوانیم بارهبری

امام عزیز پرچم اسلام را در کربلا و بعد از آن در قدس به اهتزاز در آوریم و این مملکت را صحیح و سالم به دست صاحب اصلی آن امام زمان (عج) بسپاریم سخن من با همسنگران سپاهی خودم این است که اتحاد خود را حفظ کنید و در هیچ زمان از فتنه ی منافقین غافل نباشید. (شهید و الامقام رحمان رحمانی).

وحدت مردم و نیروهای مسلح با اتکاء به اسلام و رهبری بوجود آمده. (شهید و الامقام نورالله عباسی).
تفرقه و نفاق را از خود دور کنید که دشمن خطرناکی است. حیثیت، شرف، و عزت شما در گروه مین جنگ است. ولا تازعوا و تفتشلوا و تذهب ریحکم، دست اتحاد و برادری را به هم داده تا دین و دنیای خود را باز خرید کنید. قدرت خود که همان قدرت اسلام است به نمایش بگذارید تا دشمنانتان دیگر فکر نابودی شما را در سر نپرورانند. (شهید و الامقام حبیب اله آقایی).
ملتی که برای پیروزی انقلاب خود چندین هزار خون داده اند و در این جنگ هم شهدای گران قدری داده است باید از تفرقه افتادن بین خود جلوگیری کنند و رهنمودهای امام را گوش کنند که امام فقط خوبی شما را می خواهد. (شهید و الامقام رضا نادی).

شهدای هشت سال دفاع مقدس همفکر با سردار عزیز به اصول حول محور ولایت اشاره دارند تا جایی که می فرمایند پیرو خط سرخ ولایت باشید که همان ولایت امام حسین (ع) است که این نشان از اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی این که نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به عنوان طبیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید. سر دار شهید حاج قاسم سلیمانی می فرماید کسی که در جمهوری اسلامی می خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن این است که اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد. من نه میگویم ولایت تنوری و نه میگویم ولایت قانونی؛ هیچ یک از این دو، مشکل وحدت را حل نمی کند؛ ولایت قانونی، خاصّ عامه مردم اعم از مسلمان و غیر مسلمان است، اما ولایت عملی مخصوص مسئولین است که می خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید.

توصیه به مردم ولایتمدار کرمان نظیر آن توصیه به مردم چادگان

نکته ای هم خطاب به مردم عزیز کرمان دارم؛ مردمی که دوست داشتنی اند و در طول ۸ سال دفاع مقدس بالاترین فداکاری ها را انجام دادند و سرداران و مجاهدین بسیار و الامقامی را تقدیم اسلام نمودند. من همیشه شرمنده آن ها هستم. هشت سال به خاطر اسلام به من اعتماد کردند؛ فرزندان خود را در قتلگاه ها و جنگ های شدیدی، چون کربلای ۵، والفجر ۸، طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس و... روانه کردند و لشکری بزرگ و ارزشمند را به نام و به عشق امام مظلوم حسین بن علی به نام ثارالله، بنیانگذاری کردند. این لشکر همچون شمشیری برنده، بارها قلب ملتمان و مسلمان ها را شاد نمود و غم را از چهره آن ها زدود. عزیزان! من بنا به تقدیر الهی امروز از میان شما رفته ام. من شما را از پدر و مادرم و فرزندان و خواهران و برادران خود بیشتر دوست دارم، چون با شما بیشتر از آن ها بودم؛ ضمن اینکه من پاره تن آن ها بودم و آن ها پاره وجود من. دوست دارم کرمان همیشه و تا آخر با ولایت بماند. این ولایت، ولایت علی بن ابیطالب است و خیمه او خیمه حسین فاطمه است. دور آن بگردید. با همه شما هستم. میدانید در زندگی به انسانیت و عاطفه ها و فطرت ها بیشتر از رنگ های سیاسی توجه کردم. خطاب من به همه شما است که مرا از خود میدانید، برادر خود و فرزند خود میدانید.

وصیت می کنم اسلام را در این برهه که تداعی یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید. دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است. در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح می شود، این ها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید.

نظیر چنین توصیه ای شهدای هشت سال دفاع مقدس شهرستان چادگان به اهالی مرم شهر چادگان داشتند که در ذیل به چند نمونه ان اشاره میکنیم .

به برادرم بگویند که همیشه پیرو خط امام امت باشد خواهش من از برادران و خواهران و اهالی شهر چادگان این است که همیشه پیرو خط امام باشید. (شهید و الامقام سیدرحمان موسوی).

سلام بر شما ای پدر و مادرگرامی که فرزندی را به این سن و سال پروراندید و به سوی جبهه ی حق علیه باطل فرستادید تا اینکه وظیفه ی خود را انجام دهم. اینک پدر و مادر مهربانم! اگر مادر این جنگ پیروز شدیم که پیروزیم و اگر کشته شدیم نیز پیروزیم. پس اگر من شهید شدم ناراحت نباشید و همیشه دعای شما سلامتی رهبر و پیروزی مسلمانان بر کافران باشد و از طرف من نیز از اهالی شهر چادگان حلالیت بطلبید. (شهید و الامقام سیدرحمان موسوی).

به برادران بسیج و سپاه چادگان سفارش می کنم وسیله ی جذب بیشتر برادران مؤمن و انقلابی را فراهم نمایند و خط سرخ ولایت فقیه را به مردم بشناسانند. (شهید و الامقام سید اکبر هاشمی (معین الدینی)).

دفاع از مظلومان بیزاری از ظالم

مبارزه با استکبار و دفاع از مظلوم به عنوان دو روی یک سکه از مهم ترین مؤلفه های حیات ایمانی زندگی مؤمنان است. بر اساس حدیث «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»، مسلمان نباید نسبت مسلمانان دیگر که مورد ظلم واقع شده اند، بی تفاوت باشد؛ بلکه باید به هر نوع که برایش ممکن است، از ظالم بیزاری نموده و به مسلمانان مظلوم کمک کند؛ زیرا امت اسلامی، امت واحده است. سردار بزرگ اسلام، شهید حاج قاسم سلیمانی رزمنده ای بود که حتی لحظه ای برای دفاع از مظلومان و نبرد با تکفیری ها و ایادی تحجر از پا ننشست. شخصیت کاریزماتیک وی در جنگ، از او نابعه ای کم نظیر برای برنامه ریزی در بر هم کوبیدن دشمنان در میداین نبرد ساخته بود که با آوازه ای که در کشور و در رسانه های دنیا داشت، هیچ گاه دچار غرور و تکبر نشد؛ بلکه با کمال تواضع و فروتنی در میان همرزمانش حضور پیدا می کرد و در تمام صحنه های اجتماعی، بدون اندک احساس غروری حضور می یافت. حسین امیرعبداللهیان، معاون وقت عربی آفریقایی وزارت امور خارجه، درباره سیره حاج قاسم در دفاع از مظلوم می گوید: زمانی که داعش می رفت تا اربیل را به محاصره کامل خود در آورد، سرکنسول ایران در اربیل با من تماس گرفت و گفت: همه مردم و حتی خاندان بارزانی اربیل را ترک کرده اند. در آن شرایط بحرانی، مسعود بارزانی رهبر اقلیم کردستان عراق بیش از پنج مرتبه از نیروهای آمریکایی و ائتلاف ضد داعش درخواست کمک کرد، اما آمریکایی ها به این درخواست های بارزانی هیچ پاسخی ندادند. در این شرایط از جمهوری اسلامی ایران درخواست کمک کرد و سردار سپهد شهید حاج قاسم سلیمانی در راستای اهداف سیاسی جمهوری اسلامی، با یک پرواز وارد فرودگاه اربیل شد تا مستقیماً عملیات شکست محاصره اربیل را فرماندهی کند. شهید سلیمانی با ۷۰ نفر از نیروهایش، اربیل را از سقوط حتمی نجات داد. اما نمونه های ظلم ستیزی در وصیت نامه شهدای هشت سال دفاع مقدس چادگان، ای حسین (ع)، ای خون خدا وای حماسه همیشه جاوید! وقتی به یاد تو می افتم که چگونه در برابر ظلم و فساد بنی امیه و یزیدیان ایستادی و سرت را از بدنت جدا کردند و با آن وضع فجیع و بلاهای طاقت فرسا تو را به دیار معبود رساندند. من افسوس می خورم که چرا در آن زمان نبودم که به یاری حسینم به پاخیزم و بنیاد فساد را از روی زمین بردارم. ولی وقتی کمی فکر میکنم و می بینم که حسین زمان ما خمینی عزیز است و کربلایمان خوزستان: دیگر هیچ غمی برایم باقی نمی ماند. (شهید و الامقام حسینعلی صفری).

یا ابا عبدالله الحسین(ع)، اگر ما آن روز نبودیم که تورایاری کنیم هم اکنون به ندای حسین زمان، خمینی کبیر(ره) را لیبیک می گوئیم و به سوی جبهه های نورعلیه ظلمت می شتابیم. امروز که جبهه ها به ما احتیاج دارد در راه اسلام جهاد کنیم و به سوی جبهه ها برویم تا اسلام را یاری نمائیم و با خون خودمان نهال انقلاب را- که الحمدالله زنده است- زنده تر کنیم اگر من شهید شدم مبدا برای شهادت من ناراحتی کنید از شما خواهش میکنم که حسین وار زندگی کنید و از مرگ باسعادت نهراسید. (شهید والامقام ابراهیم میرزایی).

ایمان به خدا

ایمان و اعتقاد به خدای یگانه، بلندترین و لطیفترین اندیشه‌ای است که در مغز و فکر بشر راه یافته است که دل را روشن، امیدوار و خوش بین کرده، به آدمی نیرو می‌بخشد و قدرت مقاومت وی را مضاعف می‌کند. انسان مؤمن در مصائب و سختی‌ها، آرامش روانی دارد؛ زیرا از سویی خود را دارای تکیه‌گاهی محکم و پناهگاهی امن می‌داند و از این احساس، نیرو و نشاط می‌گیرد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» و از سوی دیگر در برابر پیشامدهای ناگوار، شکیبایی می‌کند و پاداش الهی را در مقابل خویش می‌بیند: «أَنَّمَا يُؤَفِّقِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ». چنین انسانی این سختی‌ها را زودگذر می‌داند و در انتظار سعادت حتمی و جاودانی به سر می‌برد .

سردار سپهبد شهید سلیمانی، نمونه عینی انسان مؤمن به خدا بود که تمام ویژگی‌های مؤمن را می‌توان در او یافت. داشتن زندگی هدفمند، خشوع در نماز، امانتدار، وفادار به پیمان، توکل به خدا، پناه دادن به دیگران و یاری کردن مردان خدا، پاکدستی و اطاعت از خدا و رسول و نپذیرفتن ولایت کافران، جهاد با مال و جان، در برابر کافران سخت و در برابر یکدیگر مهربان و حکم کردن به عدالت را می‌توان در جزء به جزء زندگی این شهید عزیز مشاهده کرد. ایمان به خدا بود که او را شجاعانه تا خط مقدم نبرد با داعش می‌برد، بی‌آنکه ذره‌ای ترس یا تردید به خود راه دهد. سردار سلیمانی، در حقیقت بسیار شبیه صعصعه بن صوحان، صحابی خاص امیرالمؤمنین(علیه السلام) بود؛ خَفِيفَ الْمَوْنَةِ وَ كَثِيرَ الْمَعُونَةِ ؛ مردی سبکبار و کم‌هزینه، اما بسیار کمک‌کار و پُر ارزش بود. امروز بهتر و بیشتر مفهوم این فرمایش امام خمینی را درک می‌کنیم که می‌فرمود: «شهادت، هنر مردان خداست». به واقع سردار دل‌ها، هم مرد خدا و هم هنرمندی بی‌نظیر بود. لحظه لحظه زندگی‌اش با هنر خداشناسی و حضور در محضر پروردگار گذشت. رفتارهایش، سخنانش و عملکردش، گویای این هنرمندی بی‌بدیل او بود. او صادق‌الوعد بود و هیچ‌گاه وعده‌ای نداد که به آن عمل نکند؛ چنانکه مردم نیز دیدند که وقتی وعده‌ای می‌داد، به آن عمل می‌کرد، تا می‌توانست عمل می‌کرد و حرفش را در قالب عمل به نیکی بیان می‌نمود. رضایت خدا و ولی خدا را در عمل به تکلیف می‌دانست و به اندازه‌ای به رهبر خود اعتماد و اطمینان داشت که بی‌چون و چرا از او اطاعت می‌کرد؛ زیرا او یک مؤمن واقعی بود. اما نظیر چنین ایمانی در شهدای هشت سال دفاع مقدس چادگان وقتی که اسلام توسط حکام مزدور، وارونه نشان داده می‌شود مامسؤولیت بسیار خطیری داریم و نباید بگذاریم بار تمام این مشکلات فقط بردوش امام عزیزمان باشد. مگر این امام چقدر باید اذیت شود؟! اما جوانان و نوجوانان باید برایمان شرم باشد که امامان تمام شب و روز خود را وقف انقلاب بکنند و ما بی تفاوت باشیم لذا من چیزی جز جان ناقابل خود ندارم که تقدیم کنم و در پیشگاه خدا و ملت از خدا می‌خواهم که این هدیه ی ناچیز را که از طرف پدر و مادرم هدیه می‌شود بپذیرد. انشاء الله. قدر امام را بدانید و کاملاً مطیع و فرمانبردار اوباشید. به برادران بسیج و سپاه چادگان سفارش می‌کنم وسیله ی جذب بیشتر برادران مؤمن و انقلابی را فراهم نمایند و خط سرخ ولایت فقیه را به مردم بشناسانند (شهید والامقام سیداکبر هاشمی (معین الدینی)).

سلام مرا به امام ورهبرمان، خمینی بت شکن و سپس ملت غیور ایران و بعد به تمام اقوام و فرزندانم و مادر و برادرم برسانید. از تمام افراد با ایمان خواهانم که راه اسلام و هدف الله و خط خمینی را دنبال کنند تا به هدفمان یعنی اسلام واقعی برسیم. (شهید و الامقام مسیب راه خدایی).

خدایا، بارالها، پروردگارا، معبودا، معشوقا، مولایم! من ضعیف و ناتوان که تحمل درد از دست دادن پاهایم را ندارم چگونه تحمل عذاب تو را دارم. خدایا مرا ببخش. از گناهانم در گذر. تو کریم و رحیم هستی. خدایا می دانی که چه میکشم. ما از مردن نمی هراسیم اما می ترسیم بعد از ما ایمان را سرببرند و اگر بسوزیم هم که روشنایی می رود و جای خود را به شب می سپارد، چه باید کرد؟ از یک سو باید بمانیم تا شهید آینده شویم و از دیگر سو باید شهید شویم تا آینده بماند. هم باید امروز شهید شویم تا فردا بماند و هم باید بمانیم تا فردا شهید نشود. عجب دردی! چه می شد امروز شهید می شدیم و فردا زنده می شدیم تا دوباره شهید شویم. (شهید و الامقام محمدرضا رجبی فرزند نجفعلی).

خدایا حال که در انجام ماموریتی الهی هستم تو را به یاری می طلبم و به تو سوگند یاد می کنم که همیشه و تا آخرین نفس در راه مقدس تو و برای یاری دین تو مستحکم و جان برکف در راهت فداکاری می کنم. الهی یاریم ده که بتوانم این سهم را آنچنان که صالح مقام باری تعالی است بجای آورم خدایا تو شاهد باش که من در این راه کورکورانه قدم برنداشته ام و از روزی که تو را به یگانگی شناختم در قلبم جرقه ای از ایمان محمدی فوران شد از همه چیز گذشتم و به تودل بستم خدایا و مددکار همه شما باشد. به امید پیروزی حق بر علیه باطل خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار. (شهید و الامقام فضل اله صالحی).

برادران و خواهران! هرگز مسجد را خالی نکنید که دشمن از این کار لذت می برد سعی کنید مردم را به سوی نماز جمعه و جماعت تشویق کنید و بدانید که روز قیامت فرا خواهد رسید و کسانی که ایمان به خدا نداشته اند رسوا خواهند شد..... (شهید و الامقام اکبر نوروزعلی).

طلب حلالیت

از همسایگانم و دوستانم و همکارانم طلب بخشش و عفو دارم. از رزمندگان لشکر ثارالله و نیروی با عظمت قدس که خار چشم دشمن و سد راه او است، طلب بخشش و عفو دارم؛ خصوصاً از کسانی که برادرانه به من کمک کردند. نمی توانم از حسین پورجعفری نام نبرم که خیرخواهانه و برادرانه مرا مثل فرزندی کمک می کرد و مثل برادرانم دوستش داشتم. از خانواده ایشان و همه برادران رزمنده و مجاهد که به زحمت انداختنشان عذرخواهی می کنم. البته همه برادران نیروی قدس به من محبت برادرانه داشته و کمک کردند و دوست عزیزم سردار قآنی که با صبر و متانت مرا تحمل کردند. خدمت پدر و مادرم سلام عرض میکنم و به شما می گویم حالاً که خدا توفیق شهادت را به بنده داده شما ناراحت نباشید و غم مخورید.... از همه برادران و خواهرانم یک به یک حلالیت دارم و امیدوارم که بنده را عفو نمایید مادر مهربانم از اینکه بنده به این لیاقت رسیده ام غصه مخور و خوشحال باش. (شهید و الامقام محمد حسین ابراهیمی).

پس اگر من شهید شدم ناراحت نباشید و همیشه دعای شما سلامتی رهبر و پیروزی مسلمانان بر کافران باشد و از طرف من نیز از اهالی شهر چادگان حلالیت بطلبید. (شهید و الامقام سید رحمان موسوی).

خدایا! قدرتی ده تا آنچه را در دل نهان است بر صفحه ی کاغذ جاری سازم و توانی ده تا آنچه را که می نویسم در دل ها موثر افتد. ای خدای بزرگ! ای که یادت آرامش بخش دل های مضطرب و تنها است. (الا بذكر الله تطمئن القلوب) ای که در شب های ظلمانی و وحشت زای زندگی، انیس و همدم قلوب پریشانی. ای خدائی که بی توبودن و از تودور بودن بدترین و مصیبت بارترین دردهاست. دستمان گیر که مشتاق سرکوی توایم و پویش راه وصال ندانیم.

خدا اکنون در این راه گام برداشته ام، آن نیرویی را به من عطا کن تا بتوانم نیتم را فقط به خاطر تو خالص گردانم. چون (انما الاعمال بالنیات). بارالها تورا سپاس می گویم که بعد از سالها انتظار رخصتم دادی تا قطره ی ناقابل وجودم را به اقیانوس عظیم و موج کاروان یکصد هزار نفری سپاهیان محمد(ص) آمیخته و به سویت ای محبوب پرواز نمایم. خدایا! من با دست خالی و با کوله باری از گناه ولی با دلی پر امید به درخانه ی تو آمده ام. آیا مرا از درگهت می رانی؟! نه! تومرا هرگز از درگهت نخواهی راند: زیرا تورحمان و رحیم هستی.

امیدوارم تمامی کارهایی را که انجام داده ام به خاطر رضای تو بوده باشد. امیدوارم هر قدمی که برمی دارم در راه تو و به سوی تو و برای تو باشد. در غیر این صورت راضی به قدم برداشتن نیستم. امیدوارم که خدایا توفیق به ما بدهی که با پیروزی و موفقیت برگردیم از خداوند متعال می خواهیم که صبری همچون زینب (س) را بعد از آن همه مصیبت ها به شما عطا فرماید. (شهادت و الامقام سهراب صالحی).

نتیجه گیری

واقعیت آن است که هر گاه انسان از مدار فردیت خارج شود و سعه وجودی اش به اندازه ای گسترش یابد که بر نفوس انسان ها تأثیری قابل توجه در مسیر کمال بگذارد، در واقع به یک مکتب تبدیل شده است. سردار عزیز دل ها، حاج قاسم سلیمانی، اینگونه بود.

خداوند در قرآن وعده داده است که محبت افراد شایسته و با ایمان را در دل های دیگران قرار می دهد: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا». کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دل ها] قرار می دهد». سردار سرافراز اسلام، و همچنین شهدای هشت سال دفاع مقدس از جمله کسانی بودند که تمام زندگیشان را وقف خدا و خدمت به مردم کرده بودند. آنان همانطوری که در میدان نبرد بودند و باتاسی به آیات قرآن عمل کردند. هدف از مطالعه وصیتنامه شهدا این است که دریابیم چرا آنها جان خود را فدا کردند به دنبال چه چیزی بودند سر دار شهید حاج قاسم و شهدای هشت سال دفاع مقدس از جمله شهدای نامداری هستند که در هشت سال دفاع مقدس همپای سایر رزمندگان اسلام، برای رضای خدا به تکلیف عمل میکردند. آنان این انقلاب را انقلابی الهی و بی نظیر میدانستند و صاحب آن را امام زمان علیها السلام و امام خمینی میدانستند. وصیتنامه سردار دلها حاج قاسم سلیمانی همانند سایر شهدا، منشور معنوی انقلاب اسلامی ایران است. ایشان در وصیتنامه کوتاه خود به نکات مهمی اشاره کرده است که برای ادامه دهندگان راه شهدا و بلکه برای همه مردم بسیار سودمند و راهگشا است. به طور کلی وصیت نامه این شهید بزرگوار به سیزده بخش قابل انقسام است. در یک بخش به شهادت به اصول دین شهادت می دهد که قیامت حق است. قرآن حق است. بهشت و جهنم حق است. سوال و جواب حق است. معاد، عدل، امامت، نبوت حق است در بخش دوم خدایا! تو را سپاس میگویم بخاطر نعمت های تو. شکر نعمت هایی که خدای متعال در زمان حیاتش به ایشان ارزانی داشته می پردازد. این نعمت ها عبارتند از: دوران احیای اسلام عزیز و عزتمندی ملت های مسلمان، مقاومت مجاهدین سپاه اسلام، تحول و شکوه و عظمت در جهان اسلام، بیداری ملت ها، زوال طاغوت ها، فروپاشی قدرت های

استکباری، برگشتن به خویشتن، نعمت زندگی در هشت سال دفاع مقدس، زندگی با مجاهدینی که محبوب خدا بودند و میهمان خدا شدند، زندگی در کنار ملتی که خوش درخشیدند و در مقابل همه توطئه ها و فشارهای سنگین دشمنان تسلیم نشدند. و در پایان باید اینطور بیان نمود که مردان راستین خدا همچون حاج قاسم با استعانت به درگاه ایزد منان و همچنین قبول بدون قید و شرط اصل ولایت و همچنین تاسی از شهدای صدر اسلام و شهدای هشت سال دفاع مقدس شهدای مدافع حرم و شهدای مدافع وطن توانست به ان خواسته دیرینه که ملاقات با حضرت حق است برسد. روتمام شهدای عزیز امام شهدا حضرت امام خمینی (ره) غریق رحمت الهی قرار گیرد. انشالله

منابع

۱. باشگاه خبرنگاران جوان؛ «نامه حلالیت سردار سلیمانی از یک خانواده سوری در عملیات آزادسازی البوکمال»؛ ۳۰/۰۹/۱۳۹۶، کد خبر: ۶۳۳۴۷۰۸.
۲. پایگاه اطلاع رسانی حوزه؛ «شاهکار حاج قاسم»؛ ۱۸/۱۰/۱۳۹۸، کد خبر: ۷۴۰۷۵.
۳. پایگاه خبری تابناک جوان؛ «خاطره‌ای از توصیه سردار سلیمانی به دخترش»؛ ۱۹/۱۰/۱۳۹۸، کد مطلب: ۱۲۷۱۵.
۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای.
۵. خبرگزاری تسنیم؛ «توصیه‌های حاج قاسم به عزاداران مجلس حضرت زهرا(سلام الله علیها)»؛ ۰۸/۱۱/۱۳۹۸، کد خبر: ۲۱۹۱۰۱۵.
۶. خبرگزاری تسنیم؛ «سردار سلیمانی و ۷۰ نفر از نیروهایش چگونه اربیل را نجات دادند؟»؛ ۰۱/۰۹/۱۳۹۶، کد مطلب: ۱۵۷۹۸۰۴.
۷. خبرگزاری تسنیم؛ «متن کامل وصیت‌نامه حاج قاسم سلیمانی»؛ ۲۴/۱۱/۱۳۹۸، کد مطلب: ۲۲۰۲۴۴۳.
۸. دارابی، علی؛ «حاج قاسم سلیمانی به مثابه یک مکتب»؛ روزنامه صبح نو، ۰۶/۱۱/۱۳۹۸، شماره ۸۷۳.
۹. مگ ایران، روزنامه کیهان، شماره ۲۲۴۰۵، شنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۸، شماره ۲۲۴۰۵.
۱۰. میرزائی خداداد میرزائی (۱۳۹۹) ولایت پذیری واهمیت آن در وصیت نامه شهدای شهرستان چادگان.
۱۱. میرزائی خداداد میرزائی (۱۳۹۹) پایگاه وتجلی بصیرت در وصیت نامه شهدای شهرستان چادگان.
۱۲. میرزائی خداداد میرزائی (۱۳۹۹) نهضت عاشورا و جلوه‌های تجلی آن در وصیت نامه وزندگینامه شهدای شهرستان چادگان.

شادی روح شهدا صلوات